

فروپاشی از درون

نویسنده

پرتو علوی شوشتری

فروپاشی از درون

(نقش ادوار قانونگذاری مجلس شورای ملی در فروپاشی نظام سلطنتی)

پرتو علوی شوشتری

مقدمه

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ دومین تحول عمده در ساختار سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایران طی قرن ۲۰ است. اولین تحول عمده در سال ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۱۳۲۴ قمری و ۱۹۰۶ میلادی با وقوع انقلاب مشروطیت بوجود آمد که دگرگونی عمیقی را در همه زمینه‌ها و شئون زندگی مردم ایران بوجود آورد و به تدریج جامعه ایران چهره‌های کاملاً متفاوت با دوران ما قبل پیدا کرد فروپاشی نظام کهن سلطنتی پس از بیش از ۲۵۰۰ سال در کشور ایران که یکی از متحدان نزدیک امریکا و اروپای غربی بود و در اعمال سیاست غرب در منطقه نقشی فعال و قدرتمند داشت و نظام سیاسی در داخل کشور نیز پس از گذر از حوادث تاریخی و جریان‌ات سیاسی به آرامش لاقابل ظاهری دست یافته بود و گمان داشت که سلطنت نظام سیاسی پایدار خواهد بود، تا جایی که ایران جزیره ثبات نامیده می‌شد، حادثه بی‌اهمیتی نبود به عبارت دیگر وقوع انقلاب آنهم درست در زمانی که رژیم تقریباً تمام مخالفین سیاسی خود را از بین برده و عناصری از آنان را با خود همراه کرده و رونق اقتصادی کشور را حداقل برای طبقه متوسط و رو به بالای جامعه به ارمغان آورده بود و شاه شخصیت اسطوره‌ای برای خود قائل شده بود و ۲۵۰۰ سال تاریخ شاهنشاهی و پنجاهمین سال سلطنت خاندان پهلوی را جشن می‌گرفت موجب حیرت همگان گردید و تمام معادلات

سیاسی را برهم زد.

دولت جدید را کسانی بوجود آوردند که هیچ گاه گمان نمی رفت دارای قدرت سیاسی و اقتصادی در جذب نیروهای مخالف و یکپارچه کردن آنها باشند نیروهای مذهبی توانستند تمام گروه‌های مخالف را از ملی و روشنفکر و چپ و توده مردم زیر چتر اسلام دور هم جمع کنند سازماندهی مناسبی بین آنها برقرار نمایند و تحت یک رهبری مذهبی بساط سلطنت و پادشاهی را در مدت زمانی کوتاه بر چینند.

درباره انقلاب اسلامی و علل بوجود آمدن آن تاکنون کتابهای فراوان و رسالات دانشگاهی بسیار، چه از سوی ایرانیان و چه از سوی افراد غیر ایرانی نوشته شده که می‌تواند مؤید تأثیرات و ماهیت این انقلاب و دگرگونی عمیق باشد. این کتابها و نوشته‌ها را میتوان به چند صورت دسته بندی کرد.

الف: دسته اول، کتابهایی است که مقامات سیاسی و دست‌اندرکاران وقایع ایران مانند سیاست‌مداران نوشته‌اند و هریک قیمتی از وقایع را که در جریان آن درگیر بوده‌اند تشریح نموده‌اند. این کتابها از نظر بررسی وقایع ایران اسناد معتبری هستند ولی نقطه ضعف آنها این است که هر یک از نویسندگان این کتابها سعی در توجیه اقدامات و نظریات خاص خود را دارند و معمولاً به صورت گزارشی تنظیم شده‌اند.

هامیلتون جردن رئیس وقت کاخ سفید و از مشاوران کارتر رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده، در کتاب خود تحت عنوان بحران که در اصل گزارش نویسنده روزانه است و وقایع یکسال آخر ریاست جمهوری کارتر و گروگان‌گیری را در بر می‌گیرد سعی می‌کند ماجرا را بصورتی تشریح کند که دولت آمریکا از هر لغزشی مبرا نشان داده شود. وی در مورد شکل‌گیری انقلاب اسلامی آن را اتحاد نیروهای امریکا در تهران و ملاقات با محمد رضا پهلوی و اثبات شده قلمداد کند.^۱

آنتونی پارسونز آخرین سفیر نظام‌سلطنتی در زمان شاه در ایران در کتاب خود تحت عنوان غرور و سقوط ریشه‌ها و عوامل سقوط نظام سلطنتی و وقوع انقلاب اسلامی را این چنین بر می‌شمارد.

۱. ایجاد فضای بازسیاسی که باعث شد گروه‌های مخالف رژیم فعالیت و مخالفت خویش را علنی سازند و حکومت نتواند آن را سرکوب کند. ۲. برگزاری جشنهای

۱. جردن. هامیلتون. بحران. محمود مشرقی. فته تهران. چاپ دوم. ۱۳۶۲. ص ۷۶

فرهنگ و هنر در شیراز که همه ساله برگزار می‌شد و در سال ۵۶ به بدترین شیوه‌ای معتقدات مردم و آداب و رسوم مذهبی مردم را به روشن فکری و جهت‌گیری مبارزات مردم شد. ۴. مرگ دوتن از نزدیکترین یاران و همکاران شاه، یعنی علم و دکتر اقبال که در آن شرایط بحرانی شاه از مشاوره با آنها محروم می‌نماید. ۵. دیدگاه غیر واقع بینانه و توأم با اغراق و تملق رئیس جمهوری وقت آمریکا نسبت به شاه و حکومت و ۶- فاجعه سینما رکس آبادان.^۲

پارسونز معتقد است این عوامل و خصوصاً دیدار کارتر از ایران که طی آن شاه به حمایت آمریکا از خودش مطمئن گردید باعث شد تصمیم به مقابله با دشمن دیرین خود یعنی امام خمینی بگیرد و در این راه قدم اول انتشار مقاله توهین‌آمیز رشیدی مطلق راجع به امام و خاندان ایشان در آبان ۵۶ در روزنامه اطلاعات بود که اعتراضات و تظاهراتی را در قم بوجود آورد و رژیم هم آن تظاهرات را به خاک و خون کشید و پس از این ماجرا مراسم چهلم شهدای قم که در شهرهای دیگر منجمله تبریز برگزار گردید و آن هم سرکوب شد و تظاهرات سلسله‌داری را در شهرهای دیگر بوجود آورد و در نهایت باعث سقوط رژیم شاهنشاهی گردید.

نویسنده شکست و ناکامی شاه را به این سبب می‌داند که نتوانست بین دوشق متضاد یکی را انتخاب کند، و یا بین آن دو سازش فراهم آورد واقعیت این است که شاه در اوج قدرت خود آن قدر خشن و بیرحم نبود که بتواند با توسل به زور نفوذ و قدرت روحانیت را از میان بردارد. و در عین حال نمی‌توانست جامعه ایران را با چنان سرعتی تغییر دهد که نفوذ آن‌ها را به کلی خنثی کند. اما شاه نتوانست پیروز شود نیروهای مخالف سرانجام به هم رسیدند و وقتی که نبرد نهائی در گرفت معلوم شد که اثر ضربه خاندان پهلوی بر جامعه ایرانی آن قدر سطحی بوده است که حتی توده‌های شهری هم ترجیح دادند به جای حمایت از مردی که می‌کوشید آن‌ها را به چیزی که نبودند بدل کند، به رهبران سستی و مذهبی خود روی آورند. در پایان نیروهای مسلح هم متلاشی شدند.^۳

ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در تهران است که پس از بازنشنگی خاطرات خود را درباره شاه و رژیم او در دوران مأموریتش در ایران به رشته تحریر کشیده است. سولیوان معتقد است بدون تناسب سازمان‌های اداری و مالی کشور با آن که منجر به شیوع فساد و

۲. پارسونز. سرآنتونی. غرور سقوط. منوچهر راستین. هفته. چاپ اول ۱۳۶۳. ص ۷۲-۹۷. به اختصار

۳ همان ص. ۲۲۸-۲۲۷. به اختصار

رشوه‌خواری در دستگاه‌های اداری و نهایتاً دربار ایران شده بود. ۲. تفاوت فرهنگی روستاها و شهرها که باعث می‌شد تا دوگانگی فکری کارگران روستائی را که به شهرها می‌آیند بدنبال داشته باشد. ۳. زمام داری جمشید آموزگار که منجر به دوران افت اقتصادی و کاهش اعتبارات بانکی و نارضایتی بازگانان و طبقه متوسط شهری شد. ۴. ضعف و ترس ذاتی شاه که ناشی از نوع تربیت او توسط رضاخان بود و امکان تصمیم‌گیری درست و اعتماد به دیگران را به هنگام بروز مشکلات از وی می‌گرفت و در نتیجه با بوجود آمدن اولین نشانه‌های بحران در ایران خود وی درمقابل تیز حملات مخالفان خود قرار گرفت. ۵. مخالفت و ضدیت شاه با روحانیون و توجه نکردن به نظرات آنان در برنامه‌ریزی‌های کشوری. ۶. عملکرد سازمان مخوف ساواک که بجای حفظ کردن حالت ضد جاسوسی خودبه سازمانی برای سرکوب مخالفان بدل شده بود. ۷. درک غیر واقع بینانه از سوی سیاستمداران آمریکا درباره تحولات ایران که در جمله ایران جزیره ثبات و شاه محبوبترین فرد در بین مردم کشورش است و از سوی کارتر در بازدید رسمی در تهران عنوان شده بود به خوبی مشهوداست. ۸. انتشار مقاله روزنامه اطلاعات در دی ماه ۵۶ توسط رشیدی مطلق که اهانت به امام بود و جرعه قیام همگان بر علیه رژیم شاه را روشن کرد.^۴

سایروس ونس وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در کتاب توطئه در ایران می نویسد: به عقیده من سقوط شاه نمونه کامل برای بررسی چگونگی برخورد تمدن و مدرنیزاسیون غربی با ساختار مذهبی و اقتصادی و اجتماعی یک جامعه سنتی است. فشاری که تزریق ارزش‌های جوامع غربی به جامعه ایرانی وارد می‌ساخت با سرازیر شدن سیل درآمدهای نفتی از سال ۱۹۷۳ به بعد و تصیم شاه برای تسریع صنعتی شدن کشور و افزایش قدرت نظامی ایران تشدید شد. ضربه‌ای که این حرکت سریع به زیربنای جامعه سنتی ایران وارد ساخت خرد کننده بود سرازیر شدن ثروت ناگهانی بر کشور از سویی موجب فساد فراگیر و از سوی دیگر باعث جابجائی عمیق اقتصادی کشور و خروج آن از مسیر طبیعی خود گردید. حکومت آقای نیکسون وفورد با تمکین به تمایلات شاه و تغییر اولویتهای برنامه‌های اقتصادی در ایران موازنه‌ای را که در پایان حکومت جانسون در برنامه‌های مدرنیزاسیون ایران بوجود آمده بود برهم زد در اواسط دهه ۱۹۷۰ خود

۴. سولیان. ویلیام. مأموریت در ایران. محمود مشرقی. هفته تهران. ۱۳۶۱. خ ۷۱-۳۵. به اختصار.

شاه هم متوجه عدم هماهنگی و شکاف رو به گسترش بین برنامه‌های مدرنیزه کردن کشور و ارزشها و مقتضیات جامعه سنتی ایران شده بود.

هنگامیکه حکومت کارتر در آمریکا زمام امور را به دست گرفت شاه خود در جستجوی راهی برای تجدید نظر در سیاستهای خود بود.^۵

اما تغییر سیاستها مانع از شکست رژیم نشد و سیل مخالفتی که از مدتها پیش بوجود آمده بود سرانجام رژیم را در کام خود فرو برد.

هایزر در خصوص علل ناآرامیها و علل انقلاب در کتاب خود می نویسد ... اینها مردمی بودند که از برنامه‌های شاه استفاده کرده اما حالا می‌خواستند از شر او راحت شوند. شاه خود دشواری برای خودش ایجاد کرده بود سیستم آموزشی که برای مردمش فراهم آورده بود باعث بالارفتن سطح دانش و فکر آنها شده و نهایتاً موجبات درک بیشتر آنان و نارضایتی از سلطنت شده بود. در عین حال او حاضر نبود به سمت یک دوره انتقال با آزادی بیشتر برود شکی نبود که سطح زندگی مردم خود را بهبود بخشیده بود و کشور در راه صنعتی شدن قرار گرفته بود اما خودش نمی‌خواست شیوه حکومتش را مدرنیزه کند.^۶

دزدموند هارنی یکی از کارمندان شاغل در سفارت انگلیس در ایران بود که بعدها از شغل سیاسی استعفا می‌دهد و در اوایل دهه ۱۳۵۰ در هیئت یک بانکدار مجدداً در ایران مشغول به کار می‌شود و وی بدون اینکه راجع به سقوط شاه و وقوع انقلاب نظریه پردازی کند بعنوان یک شاهد عینی معتقد است که آغازگر انقلاب انتشار مقاله احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات در دی ماه ۵۶ و سیاست حقوق بشر کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود که دولتهای جهان سوم را وادار به پذیرش سیاست فضای باز سیاسی کرد.

هارنی می‌گوید اختلاف امام با شاه از دوران اصلاحات ارضی سال ۴۱ آغاز شد و تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت و سرانجام باعث سقوط شاه و رژیم او شد.^۷

حسین فردوست در بیان ریشه‌های انقلاب در جلسه‌ای که پس از رفتن شاه در سازمان بازرسی تشکیل یافته می‌گوید: ... سپس به تشریح علت انقلاب پرداختم و ریشه

۵. ونس. سایروس. توطئه در ایران، محمود مشرقی. هفته. چاپ دوم. ۱۳۶۲. ص ۵۵-۵۳. به اختصار.

۶. هارنی، دزدموند، روحانی و شاه کاوه و کاووس باسنجی. تهران. کتاب سبز. چاپ اول. ۱۳۷۷. ص ۱۲

۷. حسینی فردوست. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. تهران. اطلاعات چاپ نهم. ۷۸. ص ۵۶۷-۵۱۵. به اختصار

آن را در دو چیز عنوان کردم: اول به هم ریختن بافت و سنتهای جامعه توسط محمدرضا و دوم حیف و میل اموال دولتی و فساد و دزدی و گفتم که طبعاً طی این سالها نارضایتی وسیعی ایجاد شد و یک جرعه کافی بود که همه چیز را منفجر کند. پس از ۲۸ مرداد ۳۲ همه اقشار ملت از محمدرضا ناراضی شدند دانشگاهها و مدارس عالی دو دبیرستانها گاه متشنج می شد و ساواک نیز همیشه باب طبع محمدرضا سخن می گفت. و علت را تحریکات کمونیستها و یا ناراضیان بالفطره گزارش می داد اصلاحات ارضی نتیجه ای جز فقر روستائیان و همه قشرها بجز عده معدودی ببار نیاورده بود. پروژه های غیر انتفاعی و سنگین علاوه بر اینکه منبع سوء استفاده های عجیب و ثروتمند شدن عده خاصی بود. در کشور تورم ایجاد نمود. با این پروژه ها تولیدات کشاورزی کاهش یافت و مردم روستاها به شهرها و مراکز پروژه ها کشیده شدند هزینه های تفننی و تخیلی جشن ۲۵۰۰ ساله، جشن هنر شیراز، دعوت های بی مورد رؤسای کشورها با هزینه زیاد و ... هزینه سنگین ارتش، خرید تجهیزات گران نظامی برای سوء استفاده عده ای و منفعت شرکت های آمریکایی و انگلیسی در آمدهای کلان نفت را از بین می برد ... واقعیت دیگری که محمدرضا جدی نگرفت روحانیت بود. او تصور می کرد با صرف میلیونها تومان در سال و پرداخت آن به افراد متنفذ در حوزه ها (بخيال خود) می تواند روحانیت را با خود همسو نماید.^۸

محمدرضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ سقوط سلطنت و وقوع انقلاب را ناشی از وجود توطئه ای می داند که از اوایل دهه ۷۰ میلادی بر اثر بالا رفتن قیمت نفت بر علیه او و حکومتش طراحی شد او معتقد است غریبه ها برای از بین بردن او توطئه کردند، دانشجویان قدر توسعه و پیشرفتی را که او مظهر آن بود ندانستند، مردم کوچه و بازار توان تحمل شتاب برنامه های توسعه را نداشتند و بخشی از روحانیت که خود را در مقابل تحولات بی دفاع می دیدند شروع به تحریک مردم کردند. از سوی دیگر فعالان سیاسی نیز از فضای باز سیاسی که از اوایل سال ۵۶ بوجود آمده بود سوء استفاده کرده و گزارشگران رسانه های غربی نیز با آنها هم صدا شدند و در نهایت اتحاد سرخ و سیاه بوجود آمد و مجموع عوامل فوق باعث وقوع پیوستن انقلاب شد.^۹

۸. محمدرضا پهلوی. پاسخ به تاریخ. شهریار ماکان. تهران. نشر پیکان. چاپ سوم. ۷۷. ص ۳۷۰-۴۰۰. به اختصار.

۹. زوینس، ماروین، شکست شاهانه. عباس مخبر. طرح نو. تهران. چاپ اول.

دسته دیگر کتابهایی که درباره انقلاب اسلامی نوشته شده کارهای ژورنالیستی است که از نظر تاریخی بی‌ارزش هستند و بدانها نخواهیم پرداخت. دسته سوم کتابهایی هستند که از سوی پژوهشگران مطلع در مسائل ایران نوشته شده و بیشتر از سوی دانشگاههای معتبر جهان انتشار یافته است.

ماروین زونیس در کتاب خود معتقد است علل شکست شاه را از طریق بررسی شخصیت او و اینکه چطور آدمی بوده می‌توان شناخت. شاه در طول دوران زندگی و زمامداری خود از چند گروه متأثر بود امیرعباس هویدا که بیش از هرکس دیگری نخست‌وزیر او بود. اسدالله علم که قبل از هویدا نخست‌وزیر بود و در سال ۱۳۵۶ درگذشت. ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) - خواهر دوقلویش اشرف و همسرش فرح در آخرین سالهای زمامداری شاه به تدریج هرکدام از این افراد را به طریقی از دست داد و از آنجا که شخصیت کم‌رو و کم‌حرفی داشت و به دیگران خصوصاً مردم کشورش اعتماد نداشت و در نتیجه از مشورت کسی سود نبرد و تکبر شاهانه که خصوصاً پس از برپایی جشنهای ۲۵۰۰ ساله و افزایش قیمت نفت گریبانگیر وی شد پایه‌های سلطنت او را متزلزل و در نهایت نابود ساخت. شاه ۴ منبع نیروی روانی مثل اشرف پهلوی - حمایت الهی که درباره آن داستانهایی می‌گفت - و در نهایت پشتیبانی جدی ایالات متحده آمریکا ولی هنگام وقوع انقلاب هر کدام از این منابع به نوعی او را تنها گذاشتند و شخصیت منفعل و راه درمانی نیافت.^{۱۰}

جان دی‌استمپل از کارکنان سفارت آمریکا در کتاب خویش می‌گوید: ریشه انقلاب ایران و وضع صف‌آرایی نیروهای و بروز مسائل را باید در پیدایش نارضایتی مردم علیه فساد شاهان قاجار در سالهای نخستین قرن بیستم جستجو کرد. در ۱۹۰۶ روحانیون و یک طبقه متوسط کوچک اما نیرومند قانون اسای را به مظفرالدین شاه تحمیل کردند و شاه را ناگزین ساختند تا مجلس را در قدرت سهیم گرداند که این امر به نفوذ بیشتر مذهب در سیاست منجر شد و موجبات ادامه ناآرامی‌ها را فراهم آورد. این جریان در حقیقت پیش درآمد وقایعی بود که در سالهای پس از آن روی داد و سرانجام به آشوبی منتهی گردید که پیروزی انقلاب فوریه ۱۹۷۹ را پی‌افکند.^{۱۱}

۱۰. استمپل. جاندی. درون انقلاب ایران. منوچهر شجاعی. تهران. رسا. چاپ اول. ۱۳۷۷. ص ۲۹-۳۷. به اختصار.

۱۱. روبین. باری. جنگ قدرتها در ایران، محمود مشرقی، آشتیانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۸۹ تا ۱۸۹، به

باری روبین از استید و صاحب‌نظران مسائل ایران در ایالات متحده در کتاب خود علل زیر را به عنوان دلایل نارضایتی مردم و وقوع انقلاب نام می‌برد: ۱. پراکندگی جمعیت در ایران و وجود عشایر که همواره بدنبال فرصتی هستند تا از دستورات حکومت مرکزی سربچی کنند. ۲. نفوذ مذهب شیعه در میان مردم و نقش روحانیون در مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی ۳. انحراف در انقلاب مشروطه و اجرا مسائلی بود که در آغاز انقلاب مطرح گردید ۴. استبداد زمان زمامداری رضاخان ۵. سرنگونی دولت مای دکترومصدق توسط آمریکا که باعث تنفر مردم از خارجی‌ان مخصوصاً از آمریکا شد و اعتبار نیز تا حد زیادی لطمه دید ۶. استبداد شاه و از بین بردن اختیار مجلس در تدوین قوانین ۷- انقلاب سفید شاه و ملت که به نوبه خود باعث نارضایتی تعداد زیادی از مردم نسب به سیاست‌های ارضی و اقتصادی رژیم شد ۸- کاهش یافتن نقش بازار در فعالیتهای اقتصادی و وجود آمدن یک طبقه نو ظهور از سرمایه‌داران نو کیسه که عمدتاً وابسته به دربار بودند و نارضایتی بازاریان را بدنبال آورد. ۹. سخت‌گیریها و سهم سازمان اطلاعات و امنیت کشور در سرکوب هر گونه حرکت اعتراضی ۱۰. نفوذ حضور گسترده خارجی‌ان در تمام شئون کشور و آزادی عمل یهودیان و بهائیان که باعث تبلیغات ضد شاه در محافل مذهبی می‌شد ۱۱. توزیع ناعادلانه ثروت بین تبلیغات و اقشار مختلف مردم به همراه سیاست مدرنیزاسیون رژیم که برای مردم مترادف با اشاعه فساد و تزریق فرهنگ غربی به جامعه بود ۱۲. توسعه شهرنشینی و عدم توجه به روستاها که اولاً نابودی روستاها را در بر داشت و ثانیاً مهاجرت بی‌رویه به شهرها را باعث می‌شد که به نوبه خود بحرانهای اجتماعی را دامن می‌زد ۱۳. کاهش درآمد نفت از سال ۱۹۷۷ به بعد که کمبودها و نالایقی مدیران اجرائی را برملا ساخت و تورم و بیکاری گسترده را باعث شد. ۱۴. بالارفتن سطح زندگی مردم و افزایش تعداد تحصیل کرده‌ها که با آگاهی از آنچه در اطراف آنها می‌گذشت از اوضاع ناراضی بودند. ۱۵. بیماری شاه که باعث تضعیف همه حکومت‌های فردی و استبدادی است. ۱۶. سلسله مراتب فرماندهی در ارتش ایران که به شخص شاه ختم می‌شد و زیربنای ارتش که به سربازان وظیفه متکی بود عامل مهم دیگری در سقوط رژیم بشمار می‌آمد. ۱۷. شاه براساس تجارب خود طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ سیاست صبر و انتظار در پیش گرفت و هیچ‌گاه در موقع مناسب

بدادن امتیازات به مخالفان خود توجهی نکرد در نتیجه زمانی هم که تصمیم بدادن امتیاز گرفت خیلی دیر شده بود. ۱۸. تردید و کندی آمریکا در موضع‌گیری در برابر انقلاب در فاصله ژانویه تا دسامبر ۱۹۷۸ (دی ماه ۵۶ تا آذر ۵۷) بیش از اقدامات شتاب زده آمریکا در ماههای ژانویه و فوریه (دی‌ماه و بهمن‌ماه ۵۷) در سقوط شاه مؤثر بود.^{۱۲}

گردانندگان رادیو BBC در دهمین سال پیروزی انقلاب اسلامی روایتی از زبان دولت مردان نظام سلطنتی و بعد از انقلاب فراهم کردند تا نمونه‌ای مستند از تاریخ شفاهی باشد که زمینه‌های بروز انقلاب را از زمان مشروطه تا انقلاب اسلامی در بر داشته باشد. مصاحبه شوندگان عمدتاً استبداد دوران رضاخان و بی‌کفایتی دولتمردان نظام پادشاهی را به‌همراه استبداد فردی محمدرضا شاه و تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در وجود شاه را که بی‌اختیاری سایر مدیران اجرایی و سیاست‌گذاران را در پی داشت عوامل سقوط سلطنت در ایران می‌دانستند.^{۱۳}

باین که در نوشته‌های مورد اشاره عمدتاً ریشه انقلاب اسلامی از آغاز زمامداری خاندان پهلوی و خصوصاً تحولات پس از کودتای ۱۳۳۲ مورد توجه قرار گرفته است، اما نگارنده اعتقاد دارد بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی در آغاز و پایان قرن بیستم پل ارتباطی وجود دارد. آنچه که مسلم است یکی از عمده‌ترین ریشه‌های تحولات جامعه ایران در سال ۵۶ و ۵۷ نتایج بار آمده پس از انقلاب مشروطیت است. تأثیر انقلاب مشروطه در انقلاب اسلامی از ابعاد مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی مدّرن محققین و پژوهشگران قرار گرفته و راقم این سطور تلاش کرده است تا به جنبه‌ای از انقلاب مشروطه بپردازد که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

سؤال اساسی این است که مجلس شورای ملی بعنوان مرجع قانونگذاری طی ۲۴ دوره حیات خود چه نقشی در بوجود آمدن انقلاب اسلامی داشته است، و فرض اساسی است که قوانین مصوب مجلس در جدایی مردم از حکومت و بیزاری آنان از زمامداری وقت نقشی اساسی داشته است؟ نگارنده معتقد است شیوه وضع قوانین و قوانینی که در مجلس شورای ملی به همراه شرایط اقتصادی - اجتماعی فرهنگی و سیاسی پیش آمده زمینه اصلی انقلاب اسلامی را به این صورت بوجود آورد. که از طرفی بین مردم بعنوان حامیان اصلی نظام حکومتی با آمران حکومت بعنوان حاکمان

۱۲. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، انقلاب ایران به روایت رادیو BBC، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۱۳. راوندی. پیشین. ص ۵۵۹-۵۶۸. به اختصار.

امور مردم فاصله و شکاف ایجاد کرد. و آنگاه که کوچکترین روزنه و شکافی بوجود می‌آمد مردم فرصت را مغتنم شمرده و دست به اعتراض به صورت گوناگون می‌زدند. مجلس شورای ملی در طی حیات خود به صورت جمعی یک دست و متشکل عمل کرده است در بعضی از ادوار به دلیل شرایط خاص آن دوره چهره مجلس و گروه‌بندی نمایندگان با دوره‌های ماقبل و مابعد تفاوت عمده داشته است که از جمله این دوره‌ها می‌توان از دوره اول - دوره دوم - پنجم - چهاردهم - پانزدهم و بیست و چهارم نام برد. مطالعه قوانین مصوب مجلس شورای ملی در هر دوره این ویژگی را نیز خواهد داشت که از این راه می‌توان بر دغدغه‌های اصل حکومت و کشور در پس زمینه قوانین پی‌برد و مسائل عمده کشور را در آن دوران شناسایی و مطالعه کرد. از آنجا که مطالعه قوانین مصوب و چگونگی تصویب آن در مجلس به دو مطالعه تاریخ عمومی آن دوران ناقص و نامفهوم است لذا در هر دوره قبل از بررسی قوانین مجلس چهره عمومی آن دوران و تحولات برجسته آن دوره باز نموده خواهد شد.